

## ÜSLÛP AÇISINDAN ZÂRİYÂT SÛRESİ'NE BİR BAKIŞ

Abdul Rahman Hanif

Uludağ Ün. İlahiyat Fakültesi Tefsir Anabilim Dalı Yüksek Lisans Öğrencisi, [rahmanhanife4@gmail.com](mailto:rahmanhanife4@gmail.com)

Geliş Tarihi/Received:

02.01.2019

Kabul Tarihi/Accepted:

29.06.2019

e-Yayım/e-Printed:

29.06.2019

### ÖZ

Kur'an-ı Kerim'in en önemli mü'cizevi yönlerinden biri, ihtiva ettiği belağat incelikleridir. Bu, tarih boyunca tefsir alimlerinin ve edebiyatçıların dikkatlerini üzerine çekmiştir. Kur'an-ı Kerim'in belağat yönünden bahse konu olan bir diğer özelliği de, bir metodoloji olarak belağat ilminden yararlanmak suretiyle, sûreler ve âyetler arasındaki üslûp bütünlüğünün incelenmiş olmasıdır. Bu çalışmada Zâriyât Sûresi, betimsel-analitik yöntemle dayalı olarak, edebi tasvir, fonetik, terkip ve belağat sanatları açısından, dört seviyede üslûp yönünden incelenmiştir. Ayrıca, bu çalışmada Kur'an'daki her kelimenin, kendi yerinde bir anlam bütünlüğü içerdiğini göstermektedir. Aynı şekilde bu çalışmada, belağat delillerine uyması bakımından Zâriyât Sûresi'ndeki kelime ve ibarelerin, bir bütün olarak nahiv kurallarına uygun bir şekilde yerli yerince dizilmiş olduğu konusu da ele alınmıştır.

**Anahtar Kelimeler:** Kur'an-ı Kerim, Zâriyât Sûresi, Üslûp

### A VIEW OF SURAH ZARIYAT IN TERMS OF STYLE

#### ABSTRACT

One of the most important aspects of the Quran is the subtleties of the rhetoric. This has drawn the attention of scholars and researchers throughout history. Another noteworthy feature of the Quran is that the wording of among surahs and verses has been examined by taking advantage of the rhetoric as a methodology. In this study, the Zariyat Surah is examined in terms of style at four levels in terms of literary description, phonetics, composition and legacy, based on descriptive-analytical method. Moreover, this study shows that every word in the Quran contains a sense of meaning in its place. Similarly, in this study, it is discussed that the subject of rhetoric in accordance with the proof of the words and phrases in the Surah Zariyat, as a whole nahiv in accordance with the rules of the locals were arranged in a local way.

**Keywords:** Holy Quran, Surah Zariyat, stylistic

### سیمای سوره ذاریات از منظر اسلوب شناسی

#### خلاصه

یکی از مهم ترین جنبه های اعجاز قرآن کریم، ظرافت های بلاغی آن است که در همه ادوار مورد توجه پژوهشگران و ادیبان قرار گرفته است. از جمله مباحث بلاغی قرآن کریم، اسلوب شناسی است که در ضمن آن با بهره گیری از دستاورد های علم بلاغت به بررسی جلوه های اسلوبی موجود در قرآن کریم می پردازد. این تحقیق با روش توصیفی و تحلیلی و بر اساس معیار های اسلوب شناسی، به بررسی سوره ذاریات در چهار سطح آوایی، ترکیبی، بلاغی و تصویرپردازی پرداخته است. حاصل پژوهش بدین گونه است که هر کلمه در قرآن، معنای خاصی دارد که در بهترین جایگاه خود قرار گرفته است و چینش کلمات و عبارات به گونه ای است که در بهترین مکان از نظر نحوی قرار گرفته اند و همگی این ترکیب ها دلیل بلاغی دارند.

**کلید واژه ها:** قرآن کریم، سوره ذاریات، اسلوب شناسی.

مقدمه

اسلوب شناسی از جمله تحقیق های است که در زبان شناسی از جایگاه بسا بلندی بر خوردار بوده که میتوان از ابتدای شکل گیری اسلوب شناسی ارتباط بلا فاصل آن را با زبان شناسی پیدا کرد.

پژوهشگران و ناقدان در تحلیل و تجزیه متون از اسلوب شناسی استفاده کرده و از این روش به شناخت متن و سبک نویسندگان آن میپردازند و در حقیقت اسلوب عبارت از شیوه خاصی که شاعر یا کاتب در انتخاب الفاظ و تألیف کلامش انتخاب میکند.<sup>1</sup>

و ناقدان با تحقیق سبک نویسنده رابطه بین صورت و محتوا را پیدا می کنند که زبان به چی روشی در این اثر بکار رفته و چه معناهای دارد و چه معناهای را میتوان به آن گنجاند.

و از این روش شیوه ها و اسلوب های متنوعی را خداوند برای اثر گذاری بر خواننده و شنونده به کار گرفته است را تحقیق می کند و زیبایی آن را بر خواننده ارائه می کند و از توان بشر والا بودن آن را در میان میگذارد و بدون تردید قرآن کریم آخرین کتابی بوده که خداوند لایزال بر پیامبرش نازل کرده است و این کتاب عظیم وسیله ی برای تقرب به خداوند و اطمینان و آرامش قلب محسوب میشود. و بشر در هیچ زمانی از درک و فهم این کتاب عظیم بی نیاز نمی شود و بدین جهت پژوهشگران این کتاب مبارک را از جهات مختلف مورد تحقیق و بررسی قرار داده اند تا جوانب اعجاز الفاظ و معانی آن را تثبیت کنند که یکی از این جهات؛ تحقیق های اسلوب شناسی است که نظراتی را در مورد اسلوب و ارتباط صورت و محتوا بیان میکند. و از این طریق گوشه های از لطایف و رموز هنری کلام خداوند را در میان میگذارد و تحقیق این کلام ربانی در سطوح مختلف زبانی در فهم هر چه بیشتر عظمت قرآن مجید کاری بسیار سازنده و ضروری است.

در این تحقیق بر آنیم تا سیمای سوره ذاریات را از منظر اسلوب شناسی و به کمک علم بلاغت در چهار سطح آوایی، ترکیبی، بلاغی و تصویرپردازی مورد بررسی قرار دهیم شاید از این طریق بتوانیم به شأن والای قرآن کریم و اعجاز و زیبایی سخن آفرین بیشتر آگاهی حاصل کنیم.

1. اسلوب شناسی

لفظ اسلوب (سبک) عبارت از راه و روش یا صف درختان خرما. در معجم الوسیط به صف درختان خرما و همچنان فن و هنری و شیوه که در پیش گرفته شود و به هر راه متمدن و ادامه دار اطلاق گردیده است.<sup>2</sup> در لسان العرب چنین تذکر یافته است (أتم فی أسلوب سوء) یعنی "شما راه و مذهبی بدی دارید". جمع آن اسالیب است.<sup>3</sup>

ادبیاتی قرن اخیر اسلوب را مجازاً به معنی شیوه خاصی در نظم و نثر مورد استعمال قرار داده اند و در زبان های اروپایی اصلش به لفظ لاتین style بر می گردد. اسلوب در اصطلاح ادبی، عبارت از روش خاص ادراک و بیان به وسیله ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر. و دانشی که از مجموع جریان اسلوب های مختلف یک زبان بحث میکنند، اسلوب نامیده میشود.<sup>4</sup>

اسلوب شناسی اصطلاح قدیمی بوده که در چند قرن اخیر به وجود آمده است. اولین شخصیت های که به اسلوب شناسی توجه کرده اند، اشخاصی بودند که به بررسی و طرز های سخنوری میپرداختند. از جمله، افلاطون اولین شخصی است که به مسئله اسلوب اشاره کرده است از نظر افلاطون، هرگاه معنایی صورت مناسب خود را دریافت کند، اسلوب بوجود می آید.<sup>5</sup>

و از نگاه دیگر اسلوب شناسی در سالهای اخیر مورد توجه محققان نیز قرار گرفته است. اولین بار ملک الشعراء محمد تقی بشار (1358) در (اسلوب شناسی) خویش به بررسی اسلوب ادبی فارسی پرداخته است. او در تعریف اسلوب بیان میدارد: اسلوب در اصطلاح ادبیات عبارت از روش خاص ادراک و بیان افکار به وسیله ی ترکیب کلمات و انتخاب الفاظ و طرز تعبیر است.<sup>6</sup> برای تحلیل اسلوبی باید در عناصر آن توجه کرد. عناصر اسلوبی قرار ذیل میباشد:

1. عنصر لغوی: به متونی میپردازد که رمز هایش را واژه هایش تشکیل دهد.
2. عنصر نفعی: باعث می شود به جز مسائل لغوی به اموری مانند مؤلف، خواننده، شرایط تاریخی، هدف اثر ادبی پرداخته شود.
3. عنصر زیبایی: مبین تأثیر متن بر خواننده و ارزشیابی ادبی آن است.<sup>7</sup>

2. نگاه اجمالی به سیمای سوره ذاریات و مفاهیم آن

سوره ذاریات، پنجاه و یکمین سوره قرآن کریم و از جمله سوره های مکی است. این سوره 60 آیه دارد و نامش از آیه نخست گرفته شده است. از لحاظ ترتیب نزول سوره شصت و ششم است.<sup>8</sup> مضامین اصلی سوره ذاریات، متعلق به آخرت، زنده شدن مردگان، حساب و کتاب، ملامت و توبیخ دروغگویان، ترسیم و سرنوشت بزهکاران، داستان بعضی از انبیاء و در نهایت با تضمین کردن حضرت پیامبر، خداوند این سوره را به پایان می رساند. بنا بر این تقسیم بندی موضوعات این سوره به شرح زیر است:

أ. آیات 1-6: در سوره (ق) که قبل از آن در مصحف شریف قرار دارد، کلام از اثبات قیامت و اینکه چگونه اعمال و رفتار انسان در دنیا ضبط و ثبت می شود. اما در این سوره از زاویه دیگر به مسئله قیامت پرداخته شده و سخن از این که چگونه انسان نتیجه عملش را در روز محشر خواهد دید و میوه و محصول اعمالش را به دست خواهد آورد. این مطلب را با سوگند در ابتداء سوره به مکانیسم نزول باران در کره خاکی، که مثال مدلی از عمل و محصول عمل در طبیعت را به ما بیان نموده است. که این سوگند با حروف تأکید (إِنَّمَا) و (إِنَّ)، حرف (ل) در کلمات (لصادق) و (لواقع) به قطعی بودن وقوع قیامت دلالت میکند.<sup>10</sup>

ب. آیات 7-19: مسأله توحید، انذار و تبشیر، بیان عاقبت خراسون و متقیان.

<sup>1</sup> - ابن ذریل، عدنان، اللغة والاسلوب، چاپ دوم (عمان: مجدلاوی للنشر و التوزیع، 2006) 168.

<sup>2</sup> - انیس ابراهیم، و دیگران، المعجم الوسیط، چاپ چهارم (مصر: مکتبة الشروق الدولية، 2004) 441.

<sup>3</sup> - ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری، "سلب"، لسان العرب (بیروت: دار صادر، 1993) 1: 473.

<sup>4</sup> - ابوالعدوس، یوسف، البلاغة و الاسلوبیة مقدمات عامة، چاپ اول (عمان: الاهلیة للنشر و التوزیع، 1999) 161.

<sup>5</sup> - عبدالرؤف، حسین، سبک شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی)، ترجمه پرویز آزادی (تهران: دانشگاه امام صادق، 2011) 15.

<sup>6</sup> - شمس، سیروس، کلیات سبک شناسی (تهران: فردوسی، 1993) 15.

<sup>7</sup> - ابوالعدوس، الاسلوبیة رؤیة و التطبيق، چاپ اول (عمان: المسیرة للنشر و التوزیع، 2007) 38.

<sup>8</sup> - ابن عاشور، محمد طاهر، التحرير و التنویر، (تونس: الدار التونسیة للنشر، 1984) 26: 335.

<sup>9</sup> - دروزه، محمد عزت، التفسیر الحدیث (بیروت: دارالغرب الاسلامی، 2000) 5: 33.

<sup>10</sup> - قرائتی، محسن، تفسیر نور (تهران: مرکز فرهنگی درسهای قرآن، 2008) 9: 241.

ج. آیات 20-23: در آیه 20 کلمه (آیات) جمع و نکره آمده است که نمایانگر تعدد و عظمت است یعنی آیات و نشانه های الهی در زمین بسا زیاد و قابل توجه است.<sup>11</sup> از آیه 21 تا 23 تأکید بر حقایق و عده های خداوند از رهگذر دعوت انسان ها به بصیرت در آیات آفاقی و انفسی، و اخبار از ثبوت وعده های خداوند در آسمان خیر داده است.

د. آیات 24-30: بشارتی از سوی مهمانان، یعنی فرشتگان الهی به حضرت ابراهیم (علیه السلام).

ه. آیات 31-37: خیر مامور بودن فرشتگان، در هم کوبیدن شهرهای قوم حضرت لوط (علیه السلام).

و. آیات 38-46: شامل داستان موسی (علیه السلام)، قوم عاد، قوم ثمود و قوم نوح بوده که این مطالب در باره عذاب دنیوی طواغیت و اقوام پیامبران گذشته است. به دلیل این که سرپیچی و نافرمانی از امر خداوند کرده بودند و جنبه اندازی دارد.

ز. آیات 47-49: مشتمل بیان قدرت و حاکمیت حق تعالی در نظام آفرینش بوده که جمله (لعلکم تذكرون) در آخر این آیات بیانگر پندآموزی و غفلت زدائی است.<sup>12</sup>

ح. آیات 50-51: (فرار خالصانه به سوی خدا) تنها موردی است که در این آیات تذکر یافته و همچنان توصیه انذار آمیز از سوی پیامبر خدا نیز شامل این آیات میباشد.

ط. آیات 52-53: ثابت ماندن مشرکان از سیره ی تاریخی اقوام نافرمان انبیای گذشته و وارد کردن اتهام سحر و مجنون به پیامبر خدا در قبال دعوت خیرخواهانه ی آن حضرت صلی الله علیه و سلم.

ی. آیات 54-55: دستور خدای متعال به پیامبر مبارکش برای روی گردانیدن به مشرکان، به جرم عکس العمل وقیحانه ی شان، در مقابل دعوت دلسوزانه پیامبر خدا؛ و امر خداوند به رسولش برای پند دادن مؤمنان.

ک. آیات 56-60: هدف از خلقت جن و انس، رزاقیت خداوند در برابر بندگانش و انذار روز قیامت.

### 3. ساخت آوایی

صوت مظهر انفعالات درونی است و انفعال درونی به تنوع صوت مد، غنه، لین و ... منجر میشود. در قرآن کریم روشی به کار گرفته شده زمانی که قرآن تلاوت میشود به بهترین وجه ممکن بر مخاطب اثر می گذارد و توجه مخاطب را به خوبی جلب می کند. تا جایی که شنونده تحت تأثیر احساسات و عواطف آن قرار می گیرد و در حقیقت قرآن کریم به نوع خاصی از موسیقای زبان است که انسجام و هماهنگی کامل و توازن تام در آن قابل ملاحظه است.<sup>13</sup>

در سوره ذاریات، یک نوع هماهنگی و توازن در موسیقی و ایقاع آن وجود دارد. تکرار بعضی صوت ها و کلمات در افزایش ایقاع و اثر گذاری سوره و آهنگین کردن آن مؤثر است، و بین این اصوات و جو آیه و معنایی را که آیه در صدد بیان آن است، رابطه تنگاتنگی وجود دارد. همچنان موسیقی در ترکیب بعضی جمله ها چنان مؤثر واقع شده که جایگزینی یک کلمه با کلمه دیگر باعث از بین رفتن موسیقی کلام میشود، مثلاً در آیه: {فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صِرَّةٍ فَاصْبِرْ وَاصْبِرْ لِحُكْمِ رَبِّكَ إِنَّكَ لَدُونَكَ}،<sup>14</sup> تکرار حرف (ف) بر موسیقی آیه می افزاید و تکرار سه (ف) زیبای را افزون می کند به گونه ای که اگر کلمه ی دیگری جایگزین یکی از کلمات کنیم، بی تردید موسیقی کلام از بین خواهد رفت.

مضافاً بر اینکه در قرآن کریم هر صوتی ویژگی مخصوص خود را دارا میباشد، که بوسیله آن شناخته میشود.<sup>15</sup> فهم از صفات و مخارج حروف ما را در تبیین و تحلیل معنا کمک میکند. از جمله این صفات: جهر، همس، تفخیم، ترقیق، نقشی و ... میباشد، که هر کدام از این صفات بر معنای خاصی دلالت دارد. اکنون به نمونه های از دلالت های صوتی کشف شده در سوره ذاریات اشاره می کنیم.

#### 1.3. جهر

صفت جهر، صوتی است که با بر انگیخته شدن تار های صوتی ایجاد می شود<sup>16</sup> و حروف (أ-ب-ج-د-ذ-ر-ز-ض-ظ-ع-غ-ل-م-ن-و-ی) دارای صفت جهر می باشند. این صفت دارای معنای متعددی می باشد. از جمله:

#### الف. وعده و وعید:

یکی از معانی صفت جهر، وعده و وعید است.<sup>17</sup> اگر به آیات سوره ذاریات توجه کنیم خواهیم دید که، تعداد حرفی که مجبورند بیشتر از حروف مهموس است، زیرا در این سوره خداوند حوادث قیامت و بعد از وقوع آن را که وعده داده است، بیان می کند. مثلاً آیه: {يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُقْتَلُونَ} در این آیه 17 حرف (ی-و-م-م-ع-ل-ا-ل-ن-ن-ا-ر-ی-ت-ن-و-ن) صفت جهر و 2 حرف (ه-ف) صفت همس را دارا می باشند. هنگام خواندن این آیه وعده ای را که خداوند به کفار و منکران خدا و رسول داده است، قطعاً آمدنی است و آتش دوزخ برای عذاب و شکنجه آنها فروخته میشود. به این ترتیب صفات حروف معانی خود را بطور کامل انتقال میدهند و حروف مجبور وعده ای را که خداوند به انسان ها داده است. در برابر ذهن تداعی می کند.

#### ب. آشکار بودن:

همچنین از ویژه گی های صفت جهر، آشکار بودن است.<sup>19</sup> مانند آیه {دُفِقُوا فَمِنْكُمْ هَذَا الَّذِي كُنْتُمْ بِهِ تَسْتَعْجِلُونَ} در این آیه بیشتر حروف مجبورند. (ذ-و-ق-ا-ن-م-ذ-ا-ل-ذ-ی-ن-م-ب-ع-ج-ل-و-ن) با چشیدن عذاب و آشکار شدن اعمال و رفتار انسان در روز قیامت، هماهنگی کامل دارد. گویا با خواندن این آیه صحنه ی قیامت، آن هنگام که نامه اعمال انسان به دستش داده می شود و آنچه را که مشرکین، زود هنگام میخواستند و آمدن روز جزا را به تمسخر می گرفتند، در برابر چشمان خود می بینند، و آشکار به تصویر کشیده میشود.

#### 2.3. تفخیم

11 - الوسی، محمود بن عبدالله، روح المعانی (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تاریخ) 9: 27.

12 - مراغی، احمد بن مصطفی، تفسیر المراغی، چاپ اول (مصر: مصطفی البابی الحلبي، 1986) 10: 27.

13 - رافعی، مصطفی صادق، اعجاز القرآن و البلاغة النبویة، چاپ هشتم (بیروت: دارالکتاب العربی، 2014) 215-216.

14 - ذاریات، 29/51.

15 - عبدالرحمن، مروان محمد سعید، دراسة أسلوبیة فی سورة الکهف (بایان نامه کارشناسی ارشد، جامعة النجاح الوطنية، 2006) 7.

16 - أنیس، ابراهیم، الأصوات اللغویة، چاپ پنجم (مصر: مكتبة الأنجلو المصرية، 2016) 113.

17 - عبدالرحمن، دراسة أسلوبیة فی سورة الکهف، 9.

18 - ذاریات، 13/51.

19 - ابن منظور، "سلب"، 4: 150.

20 - ذاریات، 14/51.

یکی دیگر از صفات حروف، صفت تفخیم بوده که به معنای "قوت و غلظت می باشد و این صوت در مقابل صوت ترقیق است".<sup>21</sup> حروف (ص-ض-ط-ر-ظ-غ-ق-خ) دارای صفت تفخیم میباشند.

در آیه 59 سوره ذاریات {إِنَّ اللَّهَ هُوَ الرَّزَّاقُ ذُو الْقُوَّةِ الْمَتِينُ} حرف (ق) صفت تفخیم دارد و در انتقال معنای مورد نظر نقش مؤثری را ایفا میکند. مثلاً این صوت برای این است که بر انحصار روزی دادن در خدای متعال دلالت می کند و با معنای آیه که خداوند روزی دهنده و صاحب قوت و قدرت است بیان می کند، کاملاً هماهنگ است. همچنین صوت (ق) در کلمه (قوة) بر سنگین بودن صفت قدرت و توانایی خداوند در رساندن رزق به روزی خواران با همه کثرتی که دارند، ناتوان و ضعیف نمیشود.

### 3.3. تفسی

صفت تفسی از دیگر صفات حروف می باشد و به معنی "پهن شدن و انتشار یافتن" است که این صفت ویژه حرف (ش) می باشد.<sup>22</sup> در آیه: {وَالْأَرْضُ فَرَشْنَاهَا فَنِعْمَ الْمَاهِدُونَ} حرف (ش) در کلمه {فَرَشْنَاهَا} دارای صفت تفسی می باشد که با فعل گسترده شدن و پهن شدن هماهنگی دارد؛ زیرا "صفت تفسی عبارت از پهن شدن صدای حرف (ش) در فضای دهن می باشد"<sup>23</sup> و در این آیه نیز خدای تعالی از گسترانیدن و پهن کردن زمین سخن به میان آورده است که با معنا و مفهوم آن هماهنگی دارد.

### 4.3. ریتم (ایقاع)

ریتم یا ایقاع در جریان یافتن آیات به طور منظم هماهنگ بر نظام و یژه قرآن تجلی می یابد. هر چند برخی از آیات قرآن به وزن شعر آمده است، به معیار های علم عروض و تفعلیه ها با اسباب و وتد نمی توان به آن حکم کرد؛ علت آن است که قرآن اساساً شعر نیست؛ اما ریتم در قرآن علی رغم اینکه از اوزان شعر بیرون است، محسوس است.<sup>24</sup> ریتم آیات قرآن انواع دارد که به تناسب با معانی آیات به کار گرفته شده است. از جمله ریتم های به کار رفته در سوره ذاریات ریتم کوبنده است. اکثر آیات قسم بر این ریتم هستند. در سوره ذاریات آیات {وَالذَّارِيَاتُ ذُرُوءًا} \* {فَالْحَامِلَاتُ وُقُرًا} \* {فَالْجَارِيَاتُ يُسْرًا} \* {فَالْمَقْسِمَاتُ أَمْرًا} \* {إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ} \* {وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ}<sup>25</sup> به صورت ریتم کوبنده آمده اند و با توجه به اینکه این آیات در باره مسائل مهمی از باور های اسلامی مثل قیامت است، دیده می شود که سرعت ریتم در این سوگند ها با اشاره های سریع و گذرا تناسب دارد.

### 5.3. ضمیر جمع و صوت حاصل از آن

هشدار حاصل از صوت ضمیر جمع بیشتر از ضمیر مفرد است؛ برای اینکه در آیات زیر مد حاصل از ضمیر جمع (ارسلنا، نرسل، وجدنا، اخرجنا و تركنا) برای هشدار بیشتر به کار رفته است:

{قَالُوا إِنَّا أُرْسِلْنَا إِلَى قَوْمٍ مُّجْرِمِينَ} \* {لِنُرْسِلَ عَلَيْهِمْ حِجَابًا مِّن طِينٍ} \* {مُسْوَمَةٌ عِنْدَ رَبِّكَ لِلْمُسْرِفِينَ} \* {فَأَخْرَجْنَا مَن كَانَ فِيهَا مِنَ الْمُؤْمِنِينَ} \* {فَمَا وَجَدْنَا فِيهَا غَيْرَ بَيْتٍ مِّنَ الْمُسْلِمِينَ} \* {وَتَرَكْنَا فِيهَا آيَةً لِلَّذِينَ يَخَافُونَ الْعَذَابَ الْأَلِيمَ}<sup>26</sup>

### 6.3. آوای ناشی از تکرار

نکته ی قابل ذکر دیگر که در بعد آوایی سوره مبارکه ذاریات می توان مورد تحلیل قرار داد که درشناسایی زیبایی موسیقی و آهنگ متن و انسجام کلی سوره کار گشا می باشد تکرار است. از این جهت ارتباط لفظی بین واژگان محسوب می شود. برای این اسلوب، فواید متعددی چون تأکید معنا، تعظیم، تعجب، خوف، نسیان و غیره بیان شده است.<sup>27</sup>

چنانچه در آیه نخست سوره ذاریات {وَالذَّارِيَاتُ ذُرُوءًا} تکرار کلمه به صورت مصدری آمده است. کلمه (ذاریات) جمع (ذاریه) بوده و ذاریه از ماده (ذرو) مشتق شده است. در این آیه مبارکه (ذاریات) اسم فاعل و (ذروا) اسم مصدری از ماده (ذرو) بوده و این ماده در هر دو کلمه تکرار شده است و در نتیجه باعث جلب توجه مخاطب شده و با ایجاد موسیقی خاصی، موجب تأکید کلام خدای تعالی در آیه مبارکه شده است.

تکرار ادات تأکید مانند اِنَّ و اِنَّمَا در آیات {إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٍ} \* {وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ}<sup>28</sup> که در مورد قیامت هستند، نشان از حتمی بودن وقایع قیامت و عدم تردید در رخ دادن آن حوادث است. همچنین آیه {إِنَّكُمْ لَنِي قَوْلٍ مُّخْتَلَفٍ}<sup>29</sup> با کار بست ادات تأکید، بر اختلاف قطعی افراد در مورد روز قیامت دلالت دارد. قول مختلف به سخن متناقض گویند که ابعاض بخش هایش با یکدیگر سازگار نباشند و یکدیگر را تکذیب کنند.<sup>30</sup>

### 4. سطح ترکیبی

سطح ترکیبی به ساخت های صرفی و نحوی و تأثیر آنها در متن می پردازد. اسلوب شناسی برای ساخت های صرفی و نحوی اهمیت بسیاری قائل است؛ چرا که این ساخت ها ما را قادر می سازد تا اسلوب یک متن از متن دیگری باز شناخته شود.<sup>31</sup> در این سطح به عناصری چون بررسی جمله ها، بررسی پیدیده های اسلوبی مانند مفرد و جمع بودن کلمات، بکار بودن استفهام و امثال آن و نیز دلالت بلاغی واژگان پرداخته میشود.

### 1.4. اسم فاعل

یکی از بخش های ارائه سخن بر خلاف مقتضای حال، تعبیر از آینده با لفظ اسم فاعل است. در آیه {وَإِنَّ الدِّينَ لَوَاقِعٌ}<sup>32</sup> به جای فعل (يقع) اسم فاعل (واقع) آمده است. دلالت اسم فاعل (واقع) بر زمان مستقبل، از ذکر جمله (توعدون) در آیه قبل دانسته میشود.<sup>33</sup> دلیل این نوع کاربرد نیز تأکید بر ثبوت و حتمی بودن آمدن قیامت است.

<sup>21</sup> - أنیس، الأصوات اللغویة، 66.

<sup>22</sup> - سیبویه، ابو بشر عمرو بن عثمان، الكتاب، چاپ سوم (قاهره: مکتبة الخانجی، 1995) 4: 448.

<sup>23</sup> - الحمد، غانم قدوری، دراسات الصوتیة عند علماء التجوید، چاپ دوم (عمان: دار عمار، 2007) 272.

<sup>24</sup> - الکواز، محمد کریم، سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن، ترجمه سید حسین سیدی (تهران: انتشارات سخن، 1966) 307.

<sup>25</sup> - ذاریات، 1/51-6.

<sup>26</sup> - ذاریات، 31/51-37.

<sup>27</sup> - زرکشی، محمد بن عبدالله، البرهان فی علوم القرآن (قاهره: دار التراث، بی تاریخ) 3: 11-23.

<sup>28</sup> - ذاریات، 6/51.

<sup>29</sup> - ذاریات، 8/51.

<sup>30</sup> - رازی، فخرالدین محمد بن عمر، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، چاپ اول (لبنان: دارالفکر، 1981) 28: 197.

<sup>31</sup> - فهمی حجازی، محمود، اسس علم اللغة العربیة (قاهره: دار الثقافة، 2003) 59.

<sup>32</sup> - ذاریات، 6/51.

<sup>33</sup> - ابن عاشور، التحریر و التنویر، 26: 340.

و در آیه دیگری {آخِذِينَ مَا آتَاهُمْ رَبُّهُمْ إِنَّهُمْ كَانُوا قَبْلَ ذَلِكَ مُحْسِنِينَ}.<sup>34</sup> در این آیه هم اسم فاعل (آخِذِينَ) به جای فعل (بِأَخِذُونَ) بکار برده شده است. دلیل استفاده ای از اسم فاعل (آخِذِينَ) بدین سبب است که نشان دهد، متقین قابلیت تام برای گرفتن چنین نعماتی را دارند؛ چرا که در باب تفضلات، فاعل باید تام الفاعلیه و قابل تام القابلیه باشد.<sup>35</sup>

#### 2.4. افعال مجهول

یکی دیگر از جهت های اسلوب شناسی استفاده کردن از فعل مجهول به جای فعل معلوم است. فعل مجهول به فعلی اطلاق میگردد که فاعل آن حذف گردیده و مفعول به، نایب و جانشین آن شده باشد.<sup>36</sup> افعال مجهول در این سوره مبارکه به وفور استفاده شده است که اغراض بلاغی متعددی را دارا میباشد. مثلاً در سه آیه {إِنَّمَا تُوعَدُونَ لَصَادِقٌ}،<sup>37</sup> {يَوْمَ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ}،<sup>38</sup> و {وَوَيْ السَّمَاءِ رِزْقُكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ}،<sup>39</sup> افعال به صورت مجهول آمده و می دانیم که یکی از جاهای که کلمه با قوت بیشتر می آید و تأثیر شگرفی دارد، زمانی است که مضموم باشد.<sup>40</sup> اساساً حرکت ضمه باعث ثقل کلمه میشود. در این آیات افعال مجهول به علت دارا بودن حرکت ضمه در ابتدای شان سنگینی و ثقل ایجاد نموده اند و با قطعیت و آمدن قیامت هماهنگ است و علاوه بر اینکه در آیات متذکره فاعل ذکر نشده و جملات به صورت مجهول آمده است تا اهمیت موضوع روشن تر شود.

#### 3.4. استفهام

اسلوب استفهام از جمله اسلوب های است که موجب تنوع در متن می شود و جملات را از حالت خبری به حالت انشائی منتقل می کند و همین امر موجب زیبایی متن می شود و مخاطب را به تفکر و تأمل بر می انگیزد و در بعضی از آیات این سوره استفهام از معانی حقیقی خارج شده است و اهداف بلاغی دیگری مانند انکار و توییح و ... را دنبال می کند. مانند این آیه کریمه {يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمَ الدِّينِ}،<sup>41</sup> در این آیه، کلمه (ایان) اسم است که برای استفهام و پرسش به کار میرود و با آن، فقط از زمان مستقبل پرسش می شود. اما غرض از استفهام در این آیه استهزاء است که مشرکین مکه روز قیامت را به تمسخر می گرفتند و می پرسیدند که روز جزا کی است؟<sup>42</sup>

در آیه: {وَوَيْ أَنفُسِكُمْ أَفَلَا تُبْصِرُونَ}،<sup>43</sup> همزه استفهام برای توییح و سرزنش است برای اینکه مشکل اصلی کفار سطحی نگری آنان بوده و خداوند آنان را از این جهت مورد توییح و سرزنش قرار داده است.<sup>44</sup> و در این آیه {هَلْ أَتَاكَ حَدِيثٌ ضَئِيفٍ إِبْرَاهِيمَ الْمُكْرَمِينَ}،<sup>45</sup> کلمه (هل) حرف استفهام برای تشویق به گوش فرا دادن به آن قصه، و نشان دادن بزرگی مقام داستان آمده است. و ضمناً تسلیتی برای رسول خدا، مؤید این معنا آنکه در این آیت رسول خدا را مورد خطاب قرار می دهد، و می فرماید: {هَلْ أَتَاكَ}،<sup>46</sup>

#### 4.4. افراد و جمع

اگر در این دو عنوان توجه کنیم آن دو را دارای معانی لطیف و نکات بلاغی زیبایی خواهیم یافت. قرآن کریم صیغه های مفرد و جمع را در جای مناسب به کار می برد. اما گاهی دیده شده است که از جمع به مفرد و از مفرد به جمع عدول میکنند؛ در عقب این کار نکات بلاغی نهفته است. کلمه (ملیم) در آیه {فَأَخَذْنَا وَجُودَهُ فَنَبَذْنَاهُمْ فِي الْيَمِّ وَهُوَ مُلِيمٌ}،<sup>47</sup> به صورت جمع نیامده است؛ زیرا آوردن لفظ جمع بر عموم و شمول دلالت می کند. این کلمه به صورت مفرد آمده است زیرا هم فرعون و هم قوم او از فرمان الهی سرکشی کرده بودند. مقصود کار بست این کلمه به دلیل آنست که تمام بد بختی قوم او هم از آثار شوم رهبری فرعون بوده است؛ پس در حقیقت ملامتی برای فرعون است.<sup>48</sup>

در آیه {كَانُوا قَلِيلًا مِّنَ اللَّيْلِ مَا يَهْجَعُونَ}،<sup>49</sup> مفسران در مورد معنای این آیه در بین هم اختلاف دارند؛ بعضی از مفسران در باره این آیه نوشته اند: یعنی آنها در خلال شب کمتر می خوابیدند و یا اینکه (لیل) به صورت جنس و عموم در نظر گرفته شده است؛ بنا بر این مقداری از شب را بیدار بودند و به عبادت نماز و نیاز شب می گذرانیدند و شب هایی را که تماماً در خواب باشند و عبادت شبانه از آنها به کلی فوت شود به ندرت بوده است.<sup>50</sup> و برخی دیگر آورده اند که منظور این است که ایشان بیشترین اوقات شب را بیدار می ماندند و قسمت اندکی از آن را می خوابیدند.<sup>51</sup>

نتیجه این بیانات این است که اگر (قلیلاً) راجع به (لیل) باشد. بدان معناست که اندکی از شب را می خوابیدند و بیشتر در نماز بودند و اگر راجع به همه شبها باشد معنا آنست که کمتر شبی را تا صبح می خوابیدند، بلکه اکثر شب ها و بیشترین اوقات آن را بیدار شده به نماز می گذرانیدند. به عبار دیگر به ندرت بعضی از شب ها نماز از ایشان فوت می شد. اما اگر به آیه بعدی نظری اندازیم خداوند متعال می فرماید: {وَبِالْأَسْحَارِ هُمْ يَسْتَعْجِلُونَ} جمع بودن (اسحار) و مفرد بودن (لیل) به رأی دوم دلالت دارد؛ چرا که اگر مقصود این می بود که تعداد اندکی از شب ها را به طور کامل می خوانند کلمه (لیالی) بکار می رفت. و همچنان استفاده از کلمه (اسحار) که جمع آن (سحر) بوده، نشان دهنده این است که ایشان همه شب ها را برای عبادت سپری میکردند ولی قسمتی از آن را می خوابیدند. و با توجه به اینکه این آیه مبارکه مؤکد بر کم خوابیدن در شب است و از جهت های مختلف مبالغه در آن به کار رفته است:

1. کلمه (هجوع) دارای معنای مبالغه بوده که فرار از "نوم" است<sup>52</sup> و این مطلب دلالت بر تأکید دارد.

<sup>34</sup> - ذاریات، 16/51.

<sup>35</sup> - طیب، عبدالحسین، اطیب البیان فی تفسیر القرآن (تهران: اسلام، 1990) 12: 269.

<sup>36</sup> - راجحی، شرف الدین، المبنی للمجهول و تراکیبه و دلالت فی القرآن العظیم، چاپ اول (مصر: دارالمعرفة الجامعیة، 1999) 21.

<sup>37</sup> - ذاریات، 5/51.

<sup>38</sup> - ذاریات، 13/51.

<sup>39</sup> - ذاریات، 22/51.

<sup>40</sup> - زرقه، احمد، اسرار الحروف، چاپ اول (دمشق: درالحصاد، 1993) 36.

<sup>41</sup> - ذاریات، 12/51.

<sup>42</sup> - زحیلی، وهبه، التفسیر المنیر (دمشق: دار الفکر، 1991) 14: 12.

<sup>43</sup> - ذاریات، 21/51.

<sup>44</sup> - العثیمین، محمد بن صالح، تفسیر القرآن العظیم، چاپ اول (ریاض: دار الفریا للنشر، 2004) 129.

<sup>45</sup> - ذاریات، 24/51.

<sup>46</sup> - صابونی، محمد علی، صفوة التفاسیر، چاپ چهارم (بیروت: دارالقرآن الکریم، 1981) 3: 253.

<sup>47</sup> - ذاریات، 40/51.

<sup>48</sup> - طباطبائی، سید محمد حسین، المیزان فی تفسیر القرآن، چاپ اول (بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1997) 28: 384.

<sup>49</sup> - ذاریات، 17/51.

<sup>50</sup> - قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الأنصاری، الجامع الأحکام القرآن (ریاض: عالم الكتاب، 2003) 17: 36.

<sup>51</sup> - زحیلی، التفسیر المنیر، 14: 15.

<sup>52</sup> - زحشری، محمود بن عمر، الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل، چاپ سوم (بیروت: دارالمعرفة، 2009) 1051.

2. اضافت کلمه (قلیلا) به (هجوع) برای اینکه هجوع دلالت به تأکید دارد.  
 3. در آیه متذکره (ما) موصوله باشد و یا مصدریه دلالت بر جمله (یهجوعون) دارد.  
 5.4. **تعریف و تنکیر**

تعریف و تنکیر نقش مهمی در القاء معانی دارند. در آیه {إِنَّ الْمُتَّقِينَ فِي جَنَّاتٍ وَعُيُونٍ} <sup>54</sup> علت نکره آمدن کلمه های (جنات و عیون) بدون (ال) تعظیم است؛ زیرا می خواهد به عظمت مقام و منزلت آن اشاره نماید و آگاه سازد که وضع بهشت طوری نیست که اشخاص بتوانند به زبان توصیف کنند. <sup>55</sup>

و همچنان معنای آیه {فَأَقْبَلَتِ امْرَأَتُهُ فِي صَرَِّهِ فَصَكَّتْ وَجْهَهَا وَقَالَتْ عَجُوزٌ عَقِيمٌ} <sup>56</sup> چنین بوده است که همسر حضرت ابراهیم علیه السلام در حال که فریاد می کشید به سوی آنها آمد و طبق عادت زنان با تعجب به صورتش زد و گفت: "من که پیر زنی نازا هستم، چگونه دارای فرزند میشوم؟". پس در این آیه مبارکه کلمه (عجوز) به معنای پیر زن ناتوان، <sup>57</sup> و کلمه (عقیم) به معنای خوشکی و بیوستی است که مانع از پذیرش اثر است. و به زنی نازا که نطفه نمی پذیرد عقیم گویند. <sup>58</sup> نکته قابل توجه اینکه بار بار شدن زنی در سن و سال همسر حضرت ابراهیم (علیه السلام) و با در نظر گرفتن این مطلب که در ایام جوانی نیز عقیم بوده امری عجیب و حیرت انگیز است و به همین دلیل در این آیه عقیم به صورت نکره آمده است.

اما در آیه 41 این سوره مبارکه از بادی که برای نابودی قوم عاد فرستاده شده است با لفظ (العقیم) ذکر شده است: {وَفِي عَادٍ إِذْ أَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الرِّيحَ الْعَقِيمَ} <sup>59</sup> (الریح العقیم) بادی است که نه باران با خود دارد و نه سبب تلقیح و باروری درختان می شود؛ یعنی بادی بدون خیر و برکت، بلکه فقد ویرانگر بود. علت نام گذاری آن به عقیم این است که آن باد ایشان را بیچاره ساخت و نسل شان را منهدم نمود. <sup>60</sup> کار برد حرف تعریف (ال) بر سر واژه عقیم بیانگر این امر است که این باد برای آن قوم آشنا بوده است؛ چرا که قبل از طوفان و عذاب، وعده عذاب و فرجام بد خلف وعده را به ایشان داده است و از این رو در زمینه قوم عاد لفظ (العقیم) به کار رفته است.

#### 6.4. جملات اسمیه و فعلیه

یکی دیگر از جنبه های اسلوب شناسی سطح ترکیبی به کار بردن جمله به صورت اسمیه و یا جمله فعلیه می باشد که در معنای آن جمله اهمیت دارد و کانون معنا را تغییر میدهد. در آیه {إِذْ دَخَلُوا عَلَيْهِنَّ فَقَالُوا سَلَامًا قَالَ سَلَامٌ قَوْمٌ مُنْكَرُونَ} لفظ (سلام) دو بار با دو وضعیت به کار رفته است: اولی منصوب و دومی مرفوع.

در آیه متذکره کلمه (سلاماً) بدین جهت منصوب شده است که مفعول یک جمله محذوف است که به گونه ضمنی (تُبَلِّغُكَ) از آن فهمیده می شود که مشتمل است بر (فاعل + فعل + ضمیر متصل دوم شخص). بدین لحاظ جمله کامل به این شکل خواهد بود: (تُبَلِّغُكَ سَلَامًا). گوینده تحیت در این سخن معلوم نیست؛ با این حال همان کلام (سلام) به شکل مرفوع آمده است به دلیل اینکه مبتدای یک خبر محذوف است، بنا بر این محتوای سخن بر مبتداء و خبر باید "سلام علیکم" باشد. از نظر معنا شناسی، استفاده از لفظ (سلام) به عنوان یک اسم در حالت رفع نشانه احترام بیشتری به مخاطبان است و در عین حال، نمایانگر تداوم فعل تحیت گوی از سوی ابراهیم (علیه السلام) بوده که وارد این بحث گردیده است. <sup>61</sup>

از اینرو فرشتگان به ابراهیم (علیه السلام) با جمله فعلیه درود گفتند؛ اما ابراهیم (علیه السلام) با جمله اسمیه جواب داد و دلیل آمدن جمله اسمیه در این مبحث بر ثبوت و دوام اشاره دارد؛ قسمیکه جمله فعلیه بر حدوث دلالت دارد. <sup>62</sup> این خود نشان دهنده اخلاق و رفتار نیکوی حضرت ابراهیم (علیه السلام) است که سلام را با سخن محترمانه تر و زیباتر جواب داده است.

#### 5. ساخت بلاغی

یکی دیگر از ساختارهای که در اسلوب شناسی متون مورد توجه است، ساختار بلاغی است و ساختارهای بلاغی موجب جذابیت هر چی بیشتر متن شده و نظر خواننده را به خود جلب کرده و خواننده از مطالعه این گونه متن لذت بیشتری میبرد. در این بخش به پدیده های اسلوب شناسی بارزی که به چشم می خورد، با توجه به بلاغت عربی چون عناصر استعاره، مجاز، طباق و غیره می پردازیم.

#### 1.5. استعاره

بکار بردن لفظی است در غیر آن چه برای آن وضع شده (در غیر معنای حقیقی اش) به جهت علاقه مشابهنی که بین معنای حقیقی و معنای مجازی وجود دارد همراه با قرینه بازدارنده از اراده معنی اصلی آن. <sup>63</sup> در این سوره مبارکه به نمونه های از استعاره اشاره میکنیم. در آیه {فَتَوَلَّى بَرْكِيهَ وَقَالَ سَاجِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ} <sup>64</sup> استعاره تصریحیه بکار رفته است چون لفظ (رکن) از برای سرباز آمده است. زیرا قوت و جسارت از کمک و یاری آنها بوجود می آید و در واقع ساختمان نیز بر اساس پایه استوار است. <sup>65</sup> به عباره دیگر کلمه (رکن) استعاره از قوت و شدت است. <sup>66</sup> منظور این است که فرعون به اتکاء نیروی سربازانش بسان ستون پشت او را گرفته بودند، از ایمان رو بر تافت.

و همچنان در آیه {فَتِلْ الْحَارِصُونَ} کلمه (قتل) به معنای لعن و نفرین آمده است و استعاره طبیعیه به کار رفته است. زیرا نفرین خداوند متعال به منزله قتل و هلاکت است. <sup>67</sup>

#### 2.5. مجاز

<sup>53</sup> - بیضاوی، نصرالدین ابو سعید عبدالله بن عمر بن محمد الشیرازی، انوار التنزیل و أسرار التأویل، چاپ اول (بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تاریخ) 5: 147.

<sup>54</sup> - ذاریات، 15/51.

<sup>55</sup> - الامین، محمد بن عبدالله العلوی الهیری، تفسیر حدائق الروح و الریحان فی روایة علوم القرآن، چاپ اول (بیروت: دار طوق النجاة، 2001) 27: 511.

<sup>56</sup> - ذاریات، 29/51.

<sup>57</sup> - ابن فارس، ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا، "عجز"، معجم مقاییس اللغة، تحقیق عبد السلام محمد هارون (بی جا: دار الفکر، 1979) 4: 232.

<sup>58</sup> - راغب اصفهانی، حسین بن محمد، "عقم"، المفردات الفاظ القرآن، تحقیق صفوان عدنان داودی (دمشق: دار القلم، 2009) ص 579.

<sup>59</sup> - ذاریات، 41/51.

<sup>60</sup> - شاه عبدالعظیمی، حسین، تفسیر اثنی عشری (تهران: میقات، 1984) 12: 275.

<sup>61</sup> - عبدالرؤف، سبک شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی)، 101-102.

<sup>62</sup> - رازی، التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)، 28: 212.

<sup>63</sup> - هاشمی، احمد، جواهر البلاغه (بیروت: المكتبة العصرية، 1999) 258.

<sup>64</sup> - ذاریات، 39/51.

<sup>65</sup> - زحیلی، التفسیر المنیر، 14: 37.

<sup>66</sup> - صابونی، صفوة التفاسیر، 3: 260.

<sup>67</sup> - ابن الجوزی، جمال الدین عبدالرحمن بن علی، زاد المسیر فی علم التفسیر، چاپ سوم (بیروت: المكتبة الاسلامی، 1984) 8: 30.

مجاز لفظی است که در غیر معنای اصلی که برای آن وضع شده است، و با وجود قرینه صحیح است که اراده معنی حقیقی نکند.<sup>68</sup> در آیه {فَأَوْجَسَ مِنْهُمْ خِيفَةً قَالُوا لَا تَخَفْ وَبَشِّرُوهُ بَعْلَامٍ عَلِيمٍ}<sup>69</sup> فرشتگان به حضرت ابراهیم (علیه السلام) مژده فرزندى را دادند. بنا بر نظر بعضی از علمای لغت در این آیه مبارکه لفظ (غلام) تنها به معنای فرزندان مذکر نیست. بلکه در ماده این کلمه معنای اخص

از نشاط که اصل زندگی است، وجود دارد و به همین دلیل گفته میشود (غلم) یعنی از شهوت به هیجان افتاد و کلمه (غلمه) به معنای شهوت جستن بر روی ماده است. و به همین جهت به جوان مذکر تازه سبیل بر آورده غلام اطلاق میشود که علامتی از کامل شدن حیات او است.<sup>70</sup>

با توجه به این نکته گفته میتوانیم که این آیه زیاده از اینکه مژده است به حضرت ابراهیم (علیه السلام) در مورد فرزندان شدن، بازگو کننده این مسأله است که او تا جوانی این فرزند را خواهد دید؛ زیرا به همان گونه که ارائه شد در معنای کلمه (غلام) داشتن توان جنسی اصل است و همچنین از آغاز تولد که علیم (دانا) نیست و با گذشت زمان به این توانایی دست می یابد. در این آیه مبارکه، مژده دلیلی بر گسترش زمانی است که با زمان گسترش پیدا کرده و دارای مجاز است. محاسن حضرت ابراهیم (علیه السلام) سپید شده بود و لازمه پیر مرد فروت آن است که به سرنوشت فرزند کوچکش مرعوب باشد. بافت سخن، گسترش زمانی در دلالت مجازی را از برای مطمئن ساختن حضرت ابراهیم (علیه السلام) به اینکه فرزندش بزرگ و دانا خواهد شد، اقتضا می کند.<sup>71</sup>

### 3.5. طباق (تضاد)

از دیگر زیبایی های معنوی، طباق می باشد که تضاد نیز نامیده می شود. و آن زمانی است که دو لفظ در معنی با یکدیگر مخالفت کنند.<sup>72</sup> مانند: (سائل و محروم) در آیه {وَوَيْفِ أَمْوَالِهِمْ حَقٌّ لِّلسَّائِلِ وَالْمَحْرُومِ}<sup>73</sup>. نظر به آیه مبارکه در بین این دو واژه صنعت طباق وجود دارد. زیرا (سائل) کسی است که از انسان چیزی بخواهد و نزد انسان اظهار فقر کند. ولی (محروم) به کسی گفته میشود که از رزق محروم باشد و کوشش او به جایی نمی رسد، هر چند از شدت عفت که دارد سوال نمی کند.

و همچنان کلمه های (سحر و مجنون) در آیه {فَتَوَلَّى بِرُكْبِهِ وَقَالَ سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ}<sup>74</sup> دارای صنعت طباق یا تضاد است که به نوعی در سخنان فرعون دیده میشود؛ زیرا فرض هر دو در کنار همدیگر بعید به نظر می رسد. این آیه مبارکه نشان دهنده ی این مطلب است که تهمت فرعون به حضرت موسی (علیه السلام) به خاطر لجبازی بوده است؛ چون واژه های سحر و مجنون با هم تضاد دارند. در این آیه به دو تهمت سحر و جنون اشاره شده است که فرعون به حضرت موسی (علیه السلام) بسته بود. این دو تهمت با همدیگر در تضاد اند؛ زیرا سحر باز نه تنها دیوانه نیست، بلکه انسان بسیار زرنگی است و توانای آن را دارد که با انجام اعمال لطیف و با قدرت روان شناختی خود آدمیان را بفریبد.<sup>75</sup> علاوه بر این در آیه دیگری {كَذَلِكَ مَا أَتَى الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ مِنْ رَسُولٍ إِلَّا قَالُوا سَاحِرٌ أَوْ مَجْنُونٌ}<sup>76</sup> اشاره بر این دارد که در طول تاریخ ساحر و مجنون خطاب کردن پیامبران، کار همیشه گوی آنها بوده است.

### 4.5. تکرار

در قرآن کریم دو نوع تکرار وجود دارد، که عبارتند از تکرار قصه ها و تکرار خبر ها، و تکرار الفاظ و جمله ها. در سوره مبارکه ذاریات هر دو نوع تکرار به کار رفته است و در این سوره قصه حضرت ابراهیم (علیه السلام) و همچنان اشاره کوتاهی از سایر پیامبران آمده است که این قصه ها در سوره های دیگر نیز وارد شده است و تکرار یک قصه به نوعی نشان دهنده بلاغت قرآن کریم است که یک معنا را با روش های مختلف و به صورت های گوناگون جهت تفهیم به مخاطب خود بیان میکند.<sup>77</sup>

اما نوع دوم از تکرار یعنی تکرار جمله در دو آیه این سوره مبارکه با جمله {إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ} قابل مشاهده است {فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ} وَلَا تَجْعَلُوا مَعَ اللَّهِ إِلَهًا آخَرَ إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ}<sup>78</sup>. تکرار جمله فوق در این دو آیه دارای فایده بلاغی است؛ زیرا قبل از این آیات دعوت به اصل به ایمان خدا می کند و در این آیات به یگانه گویی ذات پاک او؛ پس تکرار جمله {إِنِّي لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ} در یک مطلب به دلیل انداز بر ترک ایمان به خداست و در مطلب دیگر در مقابل شرک و دوگانه پرستی و به این ترتیب هر کدام اشاره به مطلب جداگانه ای است. بنا بر این تکرار این جمله تأکید بر بحث یگانگی خداوند لایزال دارد.

### 5.5. اسلوب حکیم

اسلوب حکیم، ملاقی شدن با مخاطب است به گونه ای غیر از آنچه انتظار می کشد و به دو شکل است:

1. ترک کردن سؤال مخاطب و جواب دادن به سؤالی که نرسیده است.
  2. حمل کردن کلام گوینده بر غیر از آنچه او قصد می کند و می خواهد و این کار از برای هشدار مخاطب استفاده میشود.<sup>79</sup>
- در آیات {يَسْأَلُونَ أَيَّانَ يَوْمِ الدِّينِ} يَوْمٌ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ} جمله {يَوْمٌ هُمْ عَلَى النَّارِ يُفْتَنُونَ} جواب سؤال اول است؛ به این شکل که مشرکین مکه از آمدن روز جزا سؤال میکنند و خداوند به جای جواب به سؤال آنها در مورد روز جزا، به مسئله عذاب آنها در روز جزا اشاره کرده، به تحکم می گوید آن روز، زمانی است که شما بر آتش فتنه عذاب می شوید و زمان دقیق آن را آشکار نمی سازد و این اسلوب علاوه بر اینکه موجب زیبایی ادبی متن شده است، اخطار به سؤال کننده گان است.

### 6.5. ایغال (امعان)

یکی دیگر از جنبه های زیبایی ادبی در سوره ذاریات استفاده از اسلوب ایغال است که در اسلوب شناسی از آن استفاده می شود. ایغال عبارت از پایان دادن کلام به عبارت که حاوی نکته ای مفید است؛ به طوری که اگر آن عبارت نباشد معنای جمله کامل است.<sup>80</sup>

<sup>68</sup> - خطیب القزوينی، جلال الدين محمد بن عبدالرحمن، تلخیص المفتاح فی المعانی و البیان و البدیع (مصر: المكتبة المصرية، 2008) 149.

<sup>69</sup> - ذاریات، 28/51.

<sup>70</sup> - مدرسی، محمد تقی، من هدی القرآن (تهران: دار محب الحسین، 1998) 14: 47.

<sup>71</sup> - راغب، عبدالسلام احمد، کازکرد تصویر هنری در قرآن کریم، ترجمه سید حسین سیدی (تهران: انتشارات سخن، 2008) 93.

<sup>72</sup> - هاشمی، جواهر البلاغه، 303.

<sup>73</sup> - ذاریات، 19/51.

<sup>74</sup> - ذاریات، 39/51.

<sup>75</sup> - رضایی اصفهانی، محمد علی، تفسیر قرآن مهر (قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، 2008) 19: 353.

<sup>76</sup> - ذاریات، 52/51.

<sup>77</sup> - باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب، اعجاز القرآن، تحقیق سید احمد صقر (مصر: دارالمعارف، 1997) 61.

<sup>78</sup> - ذاریات، 51/51-52.

<sup>79</sup> - هاشمی، جواهر البلاغه، 319.

<sup>80</sup> - سیوطی، جلال الدين عبدالرحمن بن ابی بکر، الإیتقان فی علوم القرآن، تحقیق محمد أبو الفضل ابراهیم (سعودی: وزارة الشؤون الإسلامية و الدعوة والإرشاد، 1967) 3: 220.

در آیه مبارکه {فَوَرَّبَ السَّمَاءِ وَالْأَرْضِ إِنَّهُ لَحَقُّ مِثْلٍ مَّا أَنْتُمْ تَنْطُقُونَ} <sup>81</sup> جمله {مِثْلٌ مَّا أَنْتُمْ تَنْطُقُونَ} از حقیقت اشیا سخن به میان آورده است. زیرا گاهی خطا در بینایی یا شنوایی انسان رخ می دهد، اما در سخن گفتن چنین خطایی راه ندارد که انسان احساس کند سخن گفته است، در حال که سخن نگفته باشد؛ بدین جهت قرآن کریم می گوید: همان اندازه که سخن گفتن شما برای تان حقیقت و واقعیت دارد، رزق و وعده های الهی نیز همین گونه است. <sup>82</sup> بنا بر این جمله برای تأکید بر تحقق و تثبیت وعده خداوند {وَوَيْ السَّمَاءِ رِزْقِكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ} <sup>83</sup> دلالت دارد.

### 6. تصویر پردازی

تصویر پردازی یکی از شاخص های برتر قرآن کریم است و یکی از روش های است که با عینیت و برون گرایی در توصیف صحنه ها و شخصیت ها، مخاطب را در فضای حس و لمس توصیفی قرار می دهد تا با وضوح و شفافیت آن را در ذهن تداعی کند. <sup>84</sup> بنا بر این در این بخشی از پژوهش خود به معرفی نمونه های تصویرپردازی هنری قرآن می پردازیم؛ چرا که اگر مردم با خطایی بدون تصویر مواجه شوند، که فقط ذهن و عقل آنان را مخاطب قرار دهد، این کلام نمی تواند آن چنان اثر گذار باشد ولی از راه تصویر است که قرآن تمام وجود آدمی را تسخیر می کند و دعوت به ایمان را از اینکه صرف یک جدال منطقی بر پایه یک سلسله مقدمات عقلی باشد، خارج می سازد.

سید قطب می گوید: تصویر آفرینی در بسیاری از آیات قرآن کریم قابل دید است و این کتاب بدین دلیل نیز معجزه است؛ چرا که با الفاظ و تصاویر آفریده شده که برای همگان قابل درک است. وی (تصویر فنی) را ابزار ارزشمند در اسلوب قرآن می داند و به نظر او (تصویر فنی) عبارت از آن ابزار با ارزش و سازنده در اسلوب قرآن. <sup>85</sup> به نظر سید قطب "اولین باری که عرب با جمال هنری قرآن آشنا شد، در عمق احساساتش فرو رفت و جانش را تکان داد". <sup>86</sup>

تصویرپردازی در این سوره مبارکه نشان دهنده حرکت خالصانه به سوی خدا و عدم دل بستگی به دنیا و همچنان توجه دادن انسان به مواهب طبیعت است. این مطلب از بتداء سوره که با ذکر قسم های آگاهی بخش به بادها، ابرها، کشتی ها و فرشتگان آغاز شده است که این موضوع را مؤکد می سازد. گویا قرآن کریم می خواهد با این سوگند های پر معنی و آمیخته با نوعی اجماع، اندیشه ها را به حرکت در آورده تا بیشتر در آن توجه کند و به عظمت پدید آورنده این دستگاه عظیم آشنا تر شوند. بطوریکه در آیه {وَوَيْ الْأَرْضِ آيَاتٌ لِلْمُؤْمِنِينَ} <sup>87</sup> یکی از راه های خدا شناسی نیز توجه به شگفتی های خلقت بیان شده است به دنبال این آیه مبارکه به وجود رزق تمامی انسان ها در آسمان اشاره شده است {وَوَيْ السَّمَاءِ رِزْقِكُمْ وَمَا تُوعَدُونَ} <sup>88</sup>.

در مورد نابودی اقوام بزهکار در سوره نیز به چگونگی هلاک شدن آنان با نیرو های طبیعت به تصویر کشیده است؛ مانند هلاک شدن قوم لوط با فرستادن سنگ های از جنس گل، غرق شدن فرعون و سپاهیان در آب دریا، هلاک شدن قوم عاد بوسیله باد و قوم ثمود با آذرخش آسمان ذکر شده است.

اگرچه بیان آیات عذاب اقوام یاد شده دلیلی به عدم دل بستگی دنیا شده می تواند، اما به دنبال این آیات به وضوح بیشتری به این مطلب اشاره شده است. در آیات بعدی برخی از زیبایی های طبیعت بیان شده است: {وَالسَّمَاءِ بَنِينَهَا بِأَيْدٍ وَإِنَّا لَمُوسِعُونَ} \* وَالْأَرْضِ فَرْشَاتَهَا فِعْمَ الْمَاهِدُونَ \* وَمِنْ كُلِّ شَيْءٍ خَلْقْنَا رُجُجَيْنَ لَعَلَّكُمْ تَذَكَّرُونَ} <sup>89</sup>. در این سه آیه مبارکه سه نعمت بسیار جذاب و مهم خداوند متعال در زندگی دنیوی انسان ها اشاره شده است که شامل ساختن آسمان و گستراندن آن، پهن کردن زمین و همچنان جفت خلق کردن مخلوقات.

معلوم است که این سه نعمت عظیم تصویری بسیار جذاب از این عالم را برای بشر نشان می دهد و تمایل او را به آن بیشتر می کند. آسمان گسترش یافته و در حال توسعه و زمینی بسیار گسترده و خلق موجودات به صورت زوج صحنه ای است که فریبندگی بسیاری برای بشر دارد و او را به طرف خود می کشاند. در مقابل، قرآن کریم به این نکته اشاره کرده است که باید از آن گریخت و این فریبندگی نباید باعث باز ماندن حرکت به سوی خدا شود: {فَقَرُّوا إِلَى اللَّهِ إِنِّي لَكُمْ لَكُمْ مِّنْهُ نَذِيرٌ مُّبِينٌ} <sup>90</sup> به همان گونه که تصویر این نظام هستی و کائنات برای بشر جذابیت دارد، باید موجب دوری جستن از آن هم بشود؛ بنا بر این انسان ها صحنه این عالم را مقصد برای خود نداشته اند و خداوند به همین دلیل خودش را به عنوان مقصد این فرار آورده است. این مطلب با آیات پایانی سوره مبارکه مبنی بر یگانه گی خداوند و بیان هدف از آفرینش موجودات و رزاقیت خدای متعال نیز تأکید شده است.

در خاتمه می توان گفت: با توجه به اسلوب ویژه و منحصر به فرد قرآن کریم، همگان، چه مردم عادی و چه اندیشمندان و متفکران، نسبت به میزان شناخت و ظرفیت علمی خود قادر به درک و فهم درجاتی از مفاهیم قرآن مجید هستند. به این معنا که قرآن یک سلسله معانی ابتدایی دارد که از ظاهر آن استنباط می شود و برای افراد عادی قابل فهم و گویاست و در پس این معانی سطحی، مفاهیم بی پایان و عمیق دیگری نهفته است که درک و فهم آن مستلزم تعمق و تدبیر و تحقیق است. سوره ذاریات از این قاعده مستثنی نیست.

### نتیجه:

در این مقاله تلاش شد تا جلوه های از اسلوب شناسی را در سوره مبارکه ذریات مورد تحلیل و بررسی قرار دهیم که نتایج حاصل از پژوهش حاضر به شرح زیر می باشد:

مطالعه آوایی سوره ذاریات ارتباط کامل بین صوت و معنی را ثابت می کند، با اینکه هر آیه صفات و مخارج حروف مخصوص به خود را دارا می باشد، ولی موسیقی و آوایی خاص به سوره بخشیده است که در جان شنونده واکنش نشان می دهد و در مخاطب اثر می گذارد که از نمونه های آن می توان به شروع سوره با ریتم کوبنده اشاره کرد که نوع هشدار باش به شنونده است. همچنین تکرار بعضی از اصوات و واژگان در افزایش موسیقی و اثر گذاری آوایی مؤثر بوده نه تنها این صوت در واژگان دارای هماهنگی خاصی دارد بلکه کلمات هم در بهترین جایگاه خود قرار گرفته اند.

در ساختار های صرفی و نحوی افعال مجهول بر ثبوت قیامت تأکید دارد و اینکه وعده قیامت محقق خواهد شد. در این سطح کلمات مفرد و جمع و مکرر و معرفه و نکره را می بینیم که همگی دارای پیام است؛ برای مثال کلمه (عقیم) در باره همسر حضرت ابراهیم علیه السلام به صورت نکره، به

<sup>81</sup> - ذاریات، 23/51.

<sup>82</sup> - مکارم شیرازی، ناصر و همکاران، تفسیر نمونه، چاپ دهم (تهران: دار الکتب الاسلامی، 1371) 22: 337.

<sup>83</sup> - ذاریات، 22/51.

<sup>84</sup> - شمیس، کلیات سبک شناسی، 157.

<sup>85</sup> - سید قطب، التصوير الفنی فی القرآن، چاپ شانزدهم (قاهره: دار الشروق، 2002) 36-37.

<sup>86</sup> - سید قطب، مشاهد القیامة فی القرآن، چاپ چهاردهم (قاهره: دار الشروق، 2002) 9.

<sup>87</sup> - ذاریات، 20/51.

<sup>88</sup> - ذاریات، 22/51.

<sup>89</sup> - ذاریات، 49-47/51.

<sup>90</sup> - ذاریات، 50/51.



کار رفته است که بر بزرگی و شگفت آوری دلالت دارد و نمایانگر این مطلب است که باردار شدن زنی به سن و سال ایشان یک امر حیرت آوری است. خود این کلمه متذکره در زمینه قوم عاد به صورت معرّفه بکار رفته که نشان می دهد این باد برای آن قوم آشنا بوده است؛ زیرا پیش از طوفان و عذاب، وعده عذاب و عقوبت خلف وعده را به ایشان داده است. به علاوه در این سوره استفهام از معنای اصلی خود خارج شده و اغراض بلاغی دیگری چون استهزا، توبیخ و سرزنش را رسانده است که با هدفی که گوینده دنبال می کند، هماهنگ است.

در ساختار بلاغی سوره ذاریات از آرایه های ادبی مانند استعاره و مجاز و غیره جهت زیبایی کلام و انتقال معانی استفاده شده است. و در بُعد تصویر پردازی به جهت تصویر کشیدن نعمات و عذاب ها به صورت محسوس و عینی، مخاطب را در فضای حس و لمس توصیفی قرار می دهد تا با وضوح و شفافیت آن را در ذهن تداعی کند که از آن جمله می توان مفهوم حرکت به سوی خدا و عدم دلبستگی به دنیا را نام برد.

#### منابع:

- قرآن مجید.
- ابن جوزی، جمال الدین عبدالرحمن بن علی. *زاد المسیر فی علم التفسیر*. چاپ سوم. بیروت: المكتبة الاسلامی، 1984.
- ابن ذریل، عدنان. *اللغة والأسلوب*. چاپ دوم. عمان: مجدلاوی للنشر و التوزیع، 2006.
- ابن فارس، ابو الحسین احمد بن فارس بن زکریا. "عجز". *معجم مقاییس اللغة*. تحقیق عبد السلام محمد هارون. بی جا: دار الفکر، 1979.
- ابن منظور، ابوالفضل جمال الدین محمد بن مکرم الافریقی المصری. "سلب". *لسان العرب*. بیروت: دار صادر، 1993.
- ابوالعدوس، یوسف. *البلاغة و الاسلوبیة مقدمات عامة*. چاپ اول. عمان: الاهلیة لنشر و التوزیع، 1999.
- ابوالعدوس، یوسف. *الاسلوبیة رؤیة و التطبيق*. چاپ اول. عمان: المسیرة لنشر و التوزیع، 2007.
- ابن عاشور، محمد طاهر. *التحریر و التنویر*. تونس: الدار التونسیة للنشر، 1984.
- الأمین، محمد بن عبدالله العلوی الهریری. *تفسیر حدائق الروح و الریحان فی روابی علوم القرآن*. چاپ اول. بیروت: دار طوق النجاة، 2001.
- الحمد، غانم قدوری. *دراسات الصوتیة عند علماء التجوید*. چاپ دوم. عمان: دار عمار، 2007.
- العثیمین، محمد بن صالح. *تفسیر القرآن العظیم*. چاپ اول. ریاض: دار الثریا للنشر، 2004.
- الکواز، محمد کریم. *سبک شناسی اعجاز بلاغی قرآن*. ترجمه سید حسین سیدی. تهران: انتشارات سخن، 1966.
- آلوسی، محمود بن عبدالله. *روح المعانی*. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تاریخ.
- أنیس، إبراهیم. *الأصوات اللغویة*. چاپ پنجم. مصر: مكتبة الأنجلو المصریة، 2016.
- أنیس، إبراهیم - منتصر، عبدالحلیم - الصوالحی، عطیة - احمد، محمد خلف الله. *المعجم الوسیط*. مصر: مكتبة الشروق الدولیة، 2004.
- باقلانی، ابوبکر محمد بن طیب. *اعجاز القرآن*. تحقیق سید احمد صقر. مصر: دارالمعارف، 1997.
- بیضاوی، نصرالدین ابو سعید عبدالله بن عمر بن محمد الشیرازی. *أنوار التنزیل و أسرار التأویل*. چاپ اول. بیروت: دار احیاء التراث العربی، بی تاریخ.
- خطیب القزوینی، جلال الدین محمد بن عبدالرحمن. *تلخیص المفتاح فی المعانی و البیان و البدیع*. مصر: المكتبة المصریة، 2008.
- دروزه، محمد عزت. *التفسیر الحدیث*. بیروت: دارالغرب الاسلامی، 2000.
- راجحی، شرف الدین. *المبنى للمجهول و تراکیبه و دلالتة فی القرآن العظیم*. چاپ اول. مصر: دارالمعرفة الجامعیة، 1999.
- رازی، فخرالدین محمد بن عمر. *التفسیر الکبیر (مفاتیح الغیب)*. چاپ اول. لبنان: دارالفکر، 1981.
- راغب اصفهانی، حسین بن محمد. "عقم". *المفردات الفاظ القرآن*. تحقیق صفوان عدنان داودی. دمشق: دار القلم، 2009.
- راغب، عبدالسلام احمد. *کارکرد تصویر هنری در قرآن کریم*. ترجمه سید حسین سیدی. تهران: انتشارات سخن، 1387.
- رافعی، مصطفی صادق. *اعجاز القرآن و البلاغة النبویة*. چاپ هشتم. بیروت: دارالکتاب العربی، 2014.
- رضایی اصفهانی، محمد علی. *تفسیر قرآن مهر*. قم: پژوهشهای تفسیر و علوم قرآن، 1387.
- زحیلی، وهبه. *التفسیر المنیر*. دمشق: دار الفکر، 1991.
- زرکه، احمد. *اسرار الحروف*. چاپ اول. دمشق: دارالحصاد، 1993.
- زرکشی، محمد بن عبدالله. *البرهان فی علوم القرآن*. قاهره: دار التراث، بی تاریخ.
- زنجشیری، محمود بن عمر. *الکشاف عن حقائق غوامض التنزیل و عیون الأقاویل فی وجوه التأویل*. چاپ سوم. بیروت: دارالمعرفة، 2009.
- سیبویه، ابو بشر عمرو بن عثمان. *الکتاب*. تحقیق عبد السلام هارون. چاپ سوم. قاهره: مكتبة الخانجی، 1995.
- سید قطب. *التصویر الفنی فی القرآن*. چاپ شانزدهم. قاهره: دار الشروق، 2002.
- سید قطب. *مشاهد القيامة فی القرآن*. چاپ چهاردهم. قاهره: دار الشروق، 2002.
- شمیسا، سیروس. *کلیات سبک شناسی*. تهران: فردوسی، 1993.
- شاه عبدالعظیمی، حسین. *تفسیر اثنی عشری*. تهران: میقات، 1984.
- صابونی، محمد علی. *صفوة التفاسیر*. چاپ چهارم. بیروت: دارالقرآن الکریم، 1981.
- طباطبائی، سید محمد حسین. *المیزان فی تفسیر القرآن*. چاپ اول. بیروت: مؤسسة الأعلمی للمطبوعات، 1997.
- طیب، عبدالحسین. *اطیب البیان فی تفسیر القرآن*. تهران: اسلام، 1990.
- عبدالرؤف، حسین. *سبک شناسی قرآن کریم (تحلیل زبانی)*. ترجمه پرویز آزادی. تهران: دانشگاه امام صادق، 2011.
- عبدالرحمن، مروان محمد سعید. *دراسة أسلوبیة فی سورة الکهف*. پایان نامه کارشناسی ارشد. جامعة النجاح الوطنیة، 2006.
- فهیمی حجازی، محمود. *اسس علم اللغة العربیة*. قاهره: دار الثقافة، 2003.
- فرائی، محسن. *تفسیر نور*. تهران: مرکز فرهنگی درسهای قرآن، 2008.
- قرطبی، ابو عبدالله محمد بن احمد الأنصاری. *الجامع الأحکام القرآن*. ریاض: عالم الكتاب، 2003.

- مدرسى، محمد تقى. من هدى القرآن. تهران: دار محب الحسين، 1998.  
مراعى، احمد بن مصطفى. تفسير المراعى. چاپ اول. مصر: مصطفى البابى الحلبي، 1986.  
مكارم شيرازى، ناصر و همكاران. تفسير نمونه. چاپ دهم. تهران: دار الكتب الاسلامى، 1371.  
هاشمى، احمد. جواهر البلاغة. بيروت: المكتبة العصرية، 1999.